

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۶

عجایب‌نامه‌ها و متون عجایب‌نامه‌ای: معرفی ساختاری متن‌ها

(ص ۳۵۴-۳۳۹)

حمیرا زمرّدی،^۱ فاطمه مهری (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱۸

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

در میان متون کهن فارسی، گاه دسته‌ای از متن‌ها که اغلب با عنوان کلی «عجایب‌نامه» شناخته میشوند، مورد توجه پژوهشگران زبان و ادب فارسی قرار گرفته‌اند، اما چندان درباره معیارهایی که موجب میشود بتوان آنها را تحت این عنوان کلی بررسی کرد، سخنی گفته نمیشود؛ از سوی دیگر، این متون اغلب از نظر محتوا، «خرافه‌آمیز»، «عامیانه» و فاقد «ارزش علمی» به شمار میروند؛ هدف این نوشتار، آن است که با بررسی دقیق و جزء به جزء مهمترین متون عجایب‌نامه‌ای، مشترکات و وجوه تشابه آنها را برکشد؛ سودمندی عرضه چنین شناختی، آن است که میتوان این متون را نه به مثابه متن‌هایی حاشیه‌ای که اغلب بدون معیارهای تعریف‌شده و دقیق، در معرض ارزیابی‌هایی شتاب‌زده قرار میگیرند، بلکه از دیدگاهی جدید نگریند و جایگاه متفاوتی بدانها بخشید.

کلمات کلیدی: دایره‌المعارف طبیعی، عجایب‌نامه، طبیعت، طبقه‌بندی، متن عجایب‌نامه‌ای

^۱ دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران؛ fateme.mehri@ut.ac.ir

درآمد

چنانکه سرآغاز هر کار علمی، با به دست دادن حدود و ثغور مفاهیم ملازمت دارد، هنگام سخن گفتن از عجایب‌نامه‌ها نیز - چنانچه بخواهیم آنها را به صورت روشمند بررسی کنیم - همواره باید به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که اصولاً چه متنهایی عجایب‌نامه هستند؟ اما از آنجا که این دسته متون کمتر موضوع پژوهشهای روشمند قرار گرفته‌اند، کمتر در مورد مؤلفه‌های برساننده آنها سخنی گفته شده است. هدف ما در این نوشتار، آن است که نشان دهیم عجایب‌نامه‌ها چگونه متنهایی هستند؛ اما مهمتر از آن، می‌خواهیم نشان دهیم شیوه توصیف ما، چگونه میتواند در تعیین جایگاه این متنها در میان گستره متون زبان فارسی مؤثر باشد.

چنانچه به پیشینه معدود پژوهشهای انجام گرفته درباره عجایب‌نامه‌ها - که به ندرت از حد مقاله فراتر رفته‌اند - بنگریم (در این باره، نک: بررسی جایگاه عجایب در نظام دانشهای کهن...، مهری، ص ۲۲-۲۹)، درمی‌یابیم که در واقع، تعریف مشخصی از عجایب‌نامه‌ها وجود ندارد. اغلب این دسته متون را بر اساس اشارات صریحی که در عناوینشان وجود دارد، متعلق به «ژانر عجایب» دانسته‌اند. به این ترتیب که هنگام بحث از عجایب‌نامه‌ها همواره نخست از آثاری سخن می‌رود که کلمه «عجایب» یا «غرایب» را در عنوان خود داشته باشند (The Astonishing: A Critique and Re-Reading of 'Ağā'ib Literature', Von Hees, p. 103). دلیل عمده این امر را آن میدانند که عده‌ای از شرق‌شناسان، بر اساس فهرست حاجی خلیفه در کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون (ج ۲: ص ۱۱۲۵-۱۱۲۸) که علاوه بر فهرست‌نگاری کتابها، به طبقه‌بندی علوم نیز پرداخته - آثار موجود در این فهرست، بر اساس ترتیب الفبایی مرتب شده‌اند - عجایب را شاخه‌ای از ادبیات تصور کرده‌اند (Von Hees, Ibid, 112-113). گرچه کتابهایی که حاجی خلیفه در فهرست خود بدانها اشاره کرده، دارای موضوعات مختلفی مانند نحو، تاریخ، مطالعات قرآنی و شعر نیز هستند، اما همین نقطه عزیمت، موجب شده است در برشمردن آثار عجایب‌نامه‌ای، بیش از هر چیز به آثاری پرداخته شود که کلمه «عجایب» در عنوان آنها موجود است.

به طور عمومی، نویسندگانی هم که موضوع پژوهشهایشان بررسی عجایب‌نامه‌ها بوده است، اغلب متون مشابهی را احصا کرده‌اند (برای نمونه، نک: «بحثی پیرامون عجایب‌نامه‌ها و نظایر آن»، سلطانی، ص ۱۳۵-۱۴۰؛ روایت، شکل و ساختار عجایب‌نامه‌ها، براتی، ص ۲۱-۲۸)، اما درباره معیارهای گزینش خود سخنی نگفته‌اند و هر چند گاه به تمرکز این متون بر حوزه‌هایی خاص - مانند جغرافیا - اشاره کرده‌اند، اما در خصوص سایر حوزه‌ها توضیحی نداده‌اند. در این پژوهشها، عجایب‌نویسی به عنوان یک گونه، به اجمال، یا از مقوله فرهنگ عامه به شمار آمده («بحثی پیرامون عجایب‌نامه‌ها و نظایر آن»، سلطانی، ص ۱۳۱، ۱۳۳-۱۳۴)، یا بسط و گسترش کتابهای

جغرافیا در پیوند با متنهای دیگر دانسته شده (روایت، شکل و ساختار عجایب‌نامه‌ها، براتی، ص ۳۵)، و یا تلفیقی از هر دو، همراه با چاشنی خیالپردازی معرفی شده است («عجایب‌نامه‌ها به منزله ادبیات وهمناک»، حری، ص ۱۴۱-۱۴۲).

در اینجا مقصود آن است که صرف نظر از نامها یا تبارشناسی گونه‌های ابتدایی، نشان دهیم متنهای احصا شده به عنوان عجایب‌نامه، چه ویژگیهای ساختاری و محتوایی مشترکی دارند که میتواند آنها را به عنوان مصادیق یک نوع کلی، در کنار هم بنشانند.

مفاهیم و روشها

در یک نگاه کلی، مفهوم کانونی همه عجایب‌نامه‌ها، طبیعت و نمودهای گوناگون آن است؛ عجایب‌نامه‌ها میکوشند با پرداختن به جهان طبیعت و اعیان طبیعی، تصویری از هستی پیش چشم مخاطب خود ترسیم کنند که در آن از آسمان و زمین، خشکیها و دریاها، کوهها و رودها، و باشندگان آنها، از انسان و حیوان و نبات و جماد سخن گفته شود. در این متنها، درباره چگونگی آفرینش، عالم علوی و عالم سفلی، خشکیها، دریاها و اقیانوسها، مختصات جغرافیایی آنها، حیوانات غول‌پیکر دریایی، پرندگان عظیم‌الجثه، مردمان و جانوران جزایر، رودها، چشمه‌ها و چاهها، کوهها و صخره‌ها، شهرها، بناهای شگفت‌انگیز، حیوانات، گیاهان، سنگها، خواص و منافع آنها، علوم غریبه مانند کیمیا، طلسمات، خواص اعداد، جفر و رمل، علم فراست، شعبده و برخی امور روزمره، اطلاعاتی درج شده است. این نوع شیوه پرداختن به جهان طبیعت، بیش از هر چیز نویسندگان این متنها را - بدون آن که خود بدان اشاره‌ای داشته باشند - با مفاهیمی مانند «تعریف»، «توصیف» و «طبقه‌بندی» درگیر میکند. مفاهیمی که نمیتوان از صیغه «علمی»شان چشم پوشید؛ این مفاهیم در سراسر متون به کار گرفته میشوند؛ هر پدیده‌ای به نوبه خود تعریف میشود، ویژگیهای ظاهریش وصف میشود، خواص و منافعی بر شمرده میشود و این همه، در نظامی از طبقه‌بندی صورت میپذیرد که حیوانات، گیاهان و جمادات را بر اساس شباهتها و تفاوتها به زیرشاخه‌های کوچکتری تقسیم میکند. توجه به این مفاهیم همچنین امکان دیگری را مهیا میسازد: امکان برقراری ارتباط با دسته‌ای دیگر از متون، که آنها را با عنوان دایره‌المعارفها یا دانشنامه‌های علوم طبیعی میشناسیم؛ دانشنامه‌هایی کهن، که بی‌آنکه به حوزه تخصصی خاصی تأکید کنند، میکوشند تصویری سلسله‌مراتبی و سامان‌یافته از باشندگان طبیعت به دست دهند و به مناسبت، از علمی که به کار شناخت آنها می‌آیند، شمه‌ای بیان کنند. در واقع، این متنها هم به نوعی با مفاهیم «تعریف»، «توصیف» و «طبقه‌بندی» سروکار دارند؛ در این میان، همواره پرداختن به برخی جزئیات و حواشی، این متون را از یکدیگر متمایز میسازد، اما شمای کلی این متنها، تا حد زیادی مشابه یکدیگر است. این همسانی در محتوا و ساختار، این امکان را به وجود می‌آورد که ما نیز به تسامح،

برای نامیدن هر دو گروه، هم «عجایب‌نامه‌ها» و هم «دانشنامه‌های طبیعی»، از عبارت «متون عجایب‌نامه‌ای» استفاده کنیم.

در اینجا با تمرکز بر مهمترین «متون عجایب‌نامه‌ای» که به زبان فارسی، تألیف و در دهه‌های اخیر تصحیح و معرفی شده‌اند، میکوشیم برخی دیگر از ویژگی‌هایی اساسی این متون را استخراج کنیم. انتخاب این متنها هم از آن رو بوده است که از نظر محتوا بر ویژگی‌های مورد نظر، از نوعی جامعیت نیز برخوردار بوده‌اند. برای استخراج این ویژگی‌ها، ناگزیر از توصیف دقیق متنها هستیم:

تحفه‌الغرائب: اثری از محمد بن ایوب حاسب طبری، ریاضی‌دان و منجم نامدار سده پنجم ق (زنده تا ۴۸۵ یا ۵۰۳ق) (مقدمه تحفه‌الغرائب، تصحیح متینی، ص سه، بیست و سه) در ۳۷ باب. فضل تقدّم این اثر، آن را به منبعی برای نویسندگان بعدی تبدیل کرده است. به طوری که زکریاء بن محمد قزوینی (وفات: ۶۸۲ق) در عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات و آثار العباد و اخبار البلاد، شمس‌الدین محمد صوفی دمشقی (وفات: ۷۲۷ق) در نخبه الدهر فی عجایب البرّ و البحر، حمدالله مستوفی (وفات: ۷۵۰ق) در نزهة القلوب و خواندمیر (وفات: ۹۴۱ق) در حبیب‌السیر، در موارد متعددی به صراحت از تحفه‌الغرائب نام برده‌اند و مطالبی از آن نقل کرده‌اند. علاوه بر اینها، به نظر میرسد شهردان بن ابی‌الخیر صاحب نزهت‌نامه علائی (تألیف در سده ۵ق) و شمس‌الدین محمد دنیسری، صاحب نوادر التبادر لتحفه البهادر (تألیف در ۶۶۹ق) نیز این کتاب را در اختیار داشته‌اند و در مواردی از آن نقل قول‌هایی کرده‌اند، هر چند به صراحت از منبع خود نامی نبرده‌اند (نک: همان، ص بیست و سه - سی و دو).

مطالب تحفه‌الغرائب را میتوان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

الف) خاصیت چیزهای مختلف، از قبیل صدا و بو و مزه و دیدار چیزها (تحفه‌الغرائب، ابواب ۲ تا ۶) و خواص مختلف سنگها، گیاهان و حیوانات.

ب) عجایب، که به عجایب دنیا، عجایب البحر، عجایب النهر، عجایب البرّ، عجایب الجبل و عجایب البلد (همان، ابواب ۱ تا ۲۶) تقسیم شده‌اند. مؤلف در هر کدام از این بخشها به توصیف حیوانات، رودها، کوهها و سرزمینهای مختلف پرداخته و «خاصیت» هر یک از آنها را برشمرده است. بیشتر این خواص معطوف به تعریف طبیعی پدیده‌ها، شیوه‌های دستیابی به مراد و درمان هستند؛ مانند آن که در توصیف رودی به خاصیت سخت و سنگین شدن (صحیفه صحیفه شدن) آب آن اشاره شده

^۱ آثار او در زمینه ریاضی و نجوم عبارتند از: مفتاح العلامات در حساب و هندسه عملی، کتاب العمل و الالقاب فی معرفه علم الاسطرلاب، شش فصل در اسطرلاب، شمارنامه در علم حساب، زیج مفرد، رساله استخراج در شناختن عمر و بقای آن، المونس فی نزهة اهل المجلس، رساله قواعدی چند در معرفت هر حرکت و قوسی و دایره‌ای و خطی و نقطه‌ای که منجمی در آن اعمال کند، رساله‌ای در مقدمات اختیارات در سیارات سبعة (مقدمه تحفه‌الغرائب، تصحیح متینی، ص سی و نه).

(همان، ص ۱۳۵)، یا در باب «اندر پیدا کردن خون و گوشت جانوران»، به خاصیت این اجزا در فرمانبردار کردن یا دوستدار کردن آدمیان و یا درمانهای بیماریهای گوناگون اشاره شده است (همان، ص ۱۸۹-۲۰۸).

ج) شعبده و بازی (تحفه‌الغرائب، ابواب ۹ تا ۱۳، ۱۷، ۲۰)، مانند برخی راههای حيله‌گرانه و هوشمندانه برای آزمودن اشخاص، از قبیل روشهایی برای یافتن دزد از میان تنی چند (همان، ص ۶۴-۶۷)، یا فریفتن مردم و نمودن برخی چیزها در چشم ایشان، مانند روشهایی برای ساخت عطرهاغیرخالص (همان، ص ۱۷۶-۱۷۸) یا راههایی برای اثبات دعوی پری‌داری (همان، ص ۷۸-۸۰)، ساخت ابزار و آلات شگفت‌انگیز، مانند صندوقی که بتوان رمز گشودن آن را با حروف نام صاحب آن تنظیم کرد (همان، ص ۱۷۴-۱۷۵)، یا طرح بازیهای معماگونه و سرگرم‌کننده در مجالس (همان، ص ۶۸-۶۹، ۱۱۲-۱۲۱).

به جز این موارد، در تحفه‌الغرائب میتوان مسائل دیگری، مانند چگونگی آفرینش، طبقه‌بندی حیوانات، اصول طب (همان، ص ۴-۹)، برخی امور روزمره مانند روشهای ساختن مداد (همان، ص ۵۴-۵۹) و آب دادن تیغ (همان، ص ۲۰۹-۲۱۱)، و شرح کوتاهی از احوال برخی ساحران معروف (همان، ص ۲۱۲-۲۱۴) را نیز دید.

نزهت‌نامه‌ علائی: از شهردان بن ابی‌الخیر، تألیف شده بین سالهای ۴۹۰ تا ۴۹۵ ق (مقدمه نزهت‌نامه‌ علائی، تصحیح جهانپور، ص ۵۳)، دایره‌المعارفی چند دانشی، در دو قسم کلی؛ قسم نخستین «در خواص و منافع و طبایع مردم و حیوانات از سیاع و وحوش و بهایم و طیور و هوام و حشرات زیرزمینی و آبی و اشجار و نبات و اجساد و جواهر و احجار»، که خود به چندین مقاله و فصل تقسیم شده است و قسم دوم، «در چند نوع خواص و طبایع و فواید از علوم حسابی و نجومی و شناختن و دانستن و چند حکایت، و همچنین از اعمال پراکنده که به صنعت دست بیبوندند» (نزهت‌نامه‌ علائی، ص ۸-۱۴).

شهردان در قسم نخستین کتاب، آنجا که به خواص و منافع و طبایع چیزها پرداخته، پیش از هر چیز، به بحث درباره «خاصیت» چیزها، کیفیت تأثیر این خاصیت و حفظ تأثیر آن اشاره کرده و سپس به بیان خاصیت‌های مختلف انواع جانداران، گیاهان و جمادات به ترتیب حروف الفبا پرداخته است؛ در این میان اطلاعات حاشیه‌ای نیز در اثر او فراوان دیده میشود، اطلاعاتی از قبیل توصیف ظاهر حیوانات، گیاهان و احجار و فلزات، خلق و خوی حیوانات و شیوه‌های خود-درمانگری آنها یا شیوه‌هایی برای نگهداری از درختان بیمار (برای نمونه، نک: همان، ص ۲۴۶).

اما در قسم دوم کتاب که درباره خواص و طبایع و فواید علوم حسابی و نجومی و برخی صنایع است، به برخی مسائل نجومی مانند شناخت منازل قمر و دیگر سیارات و برخی اطلاعات نجومی درباره هفت سیاره، همچنین تنجیم و اختیار پرداخته است (همان، ص ۲۹۱-۳۰۷، ۳۵۱-۳۶۲). جز

این، شهردان در این بخش به برخی طبقه‌بندی‌های موضوعی علوم نزدیک شده (به عنوان نمونه، نک: احصاءالعلوم، ص ۴۱) و به اختصار از علومی مانند منطق و حساب سخن گفته است (نزهت‌نامهٔ علایی، ص ۳۴۴-۳۵۰، ۳۶۲ الف-۳۶۳). سایر موضوعات این فصل عبارتند از: اقلیمها و ولایات و خاصیت برخی شهرها، خواص اعداد، جفر، علم فراست، تعبیر رویا، فصلی در علم کیمیا و تلاویح و آب دادن تیغ و ساختن برخی عطرها، برخی شعبده‌ها و طلسمات و برخی خاصیتها. شهردان همچنین در بخشی از قسم دوم کتاب، به ذکر داستانهایی دربارهٔ رستم و کیخسرو و برخی دیگر از شخصیت‌های پهلوانی ایران باستان پرداخته (همان، ص ۳۱۹-۳۴۱) و همچنین رساله‌ای از ابوحاتم مظفر بن اسمعیل اسفزاری در آثار علوی را - بدون خطبهٔ آن - در سه باب، بدین قرار نقل کرده است: «باب اول اندر حوادث که از بخار تولد کند در فضای هوا... باب دوم اندر حادثه‌هایی که بر روی زمین افتد از بخار دوگانه... باب سوم اندر حوادث که در زمین افتد...» (همان، ص ۴۲۴-۴۲۵). برخی از منابع مورد استفادهٔ شهردان در نگارش نزهت‌نامهٔ علایی، چنان که خود در مواضع مختلفی از کتاب، بدانها اشاره کرده، تهذیب‌الاخلاق ابوعلی بن مسکویه، دانشنامهٔ علایی ابن سینا، مجسطی اقلیدس، خواص موازین، السبعین، صندوق الحکمه، کتاب الاجساد الاربعه و کتاب المجردات، همگی از جابر بن حیان، تنگلوشا از ابوبکر وحشی، التفهیم ابوریحان بیرونی، کتاب المنصوری، کتاب الاسرار و سر الاسرار، هر سه از ابوبکر محمد بن زکریای رازی است. جز اینها شهردان در نزهت‌نامه از دیگر تألیفات خود، از جمله کتاب‌البدایع، حل الرموز السماویه اجل من الكنوز الدنیایویه و روضه‌المنجمین نام برده و گاه مطالبی از آنها را نقل کرده است (مقدمهٔ نزهت‌نامهٔ علایی، تصحیح جهانپور، ص ۶۲-۶۳).

عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات: از محمد بن محمود بن احمد طوسی^۱، تألیف شده بین سالهای ۵۵۶ تا ۵۷۳ق (مقدمهٔ عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات طوسی، تصحیح

۱. عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات طوسی اول بار در ۱۳۴۵ش به اهتمام منوچهر ستوده به چاپ رسید. در ۱۳۷۵ش ویرایشی از این اثر به کوشش جعفر مدرس صادقی، با عنوان عجایب‌نامه منتشر شد که بر مبنای نسخهٔ مصحح منوچهر ستوده نبود و مدرس صادقی «با در نظر گرفتن همه‌ی اختلافات نسخه‌ها و بدون تبعیت از هیچ نسخه‌ی خاصی»، آن را فراهم آورده بود (نک: مقدمهٔ عجایب‌نامه، تصحیح مدرس صادقی، ص بیست و دو). در این ویرایش، نام مؤلف محمد ابن محمود همدانی درج شده (در این باره، نک: همان، بیست و یک؛ نیز: مقدمهٔ عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات طوسی، تصحیح دانش‌پژوه، ص هفده - هجده) و از آنجا که عنوان، ساختار و فصل‌بندی اثر بطور کلی تغییر یافته و برخی مطالب آن حذف شده (در این باره، نک: مقدمهٔ عجایب‌نامه، تصحیح مدرس صادقی، ص بیست و دو - بیست و چهار)، گاه به اشتباه آن را اثری متفاوت با عجایب المخلوقات طوسی دانسته‌اند.

دانش‌پژوه، ص پنزده- شانزده)، در ده رکن، که هر رکن خود دارای فصول و ابوابی است. ارکان دهگانه کتاب، به ترتیب عبارتند از:

الف) دربارهٔ عجایب اجرام علوی، که در آن علاوه بر اجرام علوی، از عجایب افلاک و بروج و قطب شمال و جنوب و صفت فرشتگان سخن به میان آمده است (عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات طوسی، ص ۲۱-۷۰).

ب) عجایب بین آسمان و زمین، از قبیل صاعقه و شهب و رعد و برق و قوس و قزح و عجایب باده‌ها و ابرها. در این رکن به مناسبت سخن گفتن از آتش، فصلی نیز به آتش‌پرستان اختصاص داده شده است (همان، ص ۷۱-۸۷).

ج) عجایب ارض و بحار و جبال، که در آن، بر اساس حروف الفبا، به عجایب نهرها، چشمه‌ها، چاهها، تقسیمات اقالیم، صورت عالم و عجایب کوهها و صخره‌ها پرداخته شده است (همان، ص ۸۷-۱۶۲).

د) در بلاد و مساجد و کنائس، که در آن به ترتیب حروف الفبا، به شهرهای معروف و مساجد و کنیسه‌های دیگر ادیان پرداخته و از وادیها و دریاها، مقلوبه و خسفها و زلزله‌ها و بادهای مهلک نیز ذکری به میان آمده است (همان، ص ۱۶۳-۳۰۵).

ه) در اشجار و میوه‌ها و گیاهان به ترتیب حروف الفبا (همان، ص ۳۰۶-۳۳۰).

و) در عجایب صور منقوره و منقوشه، که در آن به عجایب برخی نقوش طلسمات، عجایب مرقد انبیاء و دخمه‌های ملوک و گنجها پرداخته شده است (همان، ص ۳۳۱-۳۶۹).

ز) در شرف آدمی و عجایب فطرت او، که در آن از شرف عقل، صفات و عجایب روح، قلب و حواس پنج‌گانه سخن گفته شده است. در این رکن همچنین به خاصیت اعضای مختلف بدن آدمی، طبقات مختلف مردم، صفات زنان و خصیان، عجایب نوادر آدمی در زمانهای مختلف، صفت برخی قبایل از قبیل قبایل ترکان و غزان و هندوان، در شرف پیغمبر، فرق میان نبی و متنبی، عجایب معجزات و کرامات، صفت کیمیا، طب، طبیعت و خواص غذاها، معالجات نادر، قضا و قدر، عجایب خوابها و مرگ نیز پرداخته شده است (همان، ص ۳۷۱-۴۸۳).

ح) در عجایب جنیان و مردگان و شیاطین، اصناف غولان و نسناس و مواضع ایشان (همان، ص ۴۸۴-۵۱۱).

ط) در عجایب پرندگان بزرگ و کوچک (همان، ص ۵۱۲-۵۴۴).

ی) در عجایب بهایم، حیوانات بزرگ، حیوانات بحری، خواص سباع و حشرات و افاعی و حیات و سموم آنها (همان، ص ۵۴۵-۶۳۶؛ نیز: ص ۱۹-۲۰).

روایات آغازین عجایب المخلوقات که شخصیت‌های اصلیشان، اسکندر، جمشید، سلیمان و بلقیس، لقمان حکیم، عبدالملک بن مروان و حسن بصری هستند، همگی در حفظ حرمت علم و بزرگداشت

عالمان و دانشمندانند (همان، ص ۵-۱۸). طوسی در سراسر کتاب، به ویژه در آغاز ارکان و ابواب، استشهادات بسیاری به آیات قرآنی دارد. جز این، در برخی مواضع، روایاتی را ذیل عنوان «خبر» که یکی از اصطلاحات علم حدیث است، آورده؛ خبر در این معنای اصطلاحی، عبارت از آثار و اقوال رسیده از ناحیه معصومان و غیر از ایشان، از صحابه و تابعین است (تاریخ عمومی حدیث، معارف، ص ۲۵-۲۶؛ برای برخی اختلاف نظرها درباره نسبت «خبر» و «حدیث»، نک: همانجا؛ برای نمونه‌ای از این اخبار، نک: عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات طوسی، ص ۲۷-۲۹، ۳۸). این نکات، به همراه اشارات گاه به گاه او به عقاید مذاهب اهل سنت (برای نمونه، نک: همان، ص ۳۱)، نشان میدهند وی با قرآن و علوم دینی آشنا بوده است. همچنین شیوه او در مواردی که «مسأله» یا «سؤال» طرح میکند و سپس ذیل عنوان «جواب» به شرح نظر خود میپردازد (برای نمونه، نک: همان، ص ۸۲-۸۳، ۸۴)، یادآورد شیوه مدرسی تحصیل علوم است و این که او گهگاه به منابع مورد استفاده خود در تألیف عجایب المخلوقات، به ویژه در علم نجوم اشاره میکند، نشان میدهد وی با منابع حوزه‌های دیگر آشنایی داشته است (همان، ص ۳۰، ۶۸).

اثر طوسی، دربردارنده اطلاعات نجومی و جغرافیایی بسیاری است. اما جز اینها، در ابواب و فصولی که به طور خاص به پدیده‌های طبیعی اختصاص دارند، پرداختن به «خاصیت» چیزها، یکی از مباحث عمده است. هنگام پرداختن به حیوانات، طوسی علاوه بر توصیف ظاهر آنها، به خواص درمانی اجزای مختلف بدن ایشان پرداخته، چنان که به خواص درمانی گیاهان نیز اشاره کرده و در مواردی نیز شیوه‌های خود-درمانگری حیوانات را برشمرده که باز ناظر بر خواص مختلف موادی است که حیوانات برای درمان خود از آنها سود میجویند.

فرخ‌نامه: از ابوبکر مطهر جمالی یزدی، تألیف شده به سال ۵۸۰ق (فرخ‌نامه، ص ۷). فرخ‌نامه در واقع دانشنامه‌ای چنددانشی است که جمالی یزدی آن را به پیروی از نزهت‌نامه علائی شهردان تألیف کرده و چنان که خود گفته، در نگارش آن از برخی «کتب متفرق که از این انواع باشد» نیز بهره برده است (همان، ص ۵). او در جایی به معیار گزینش خود از این آثار چنین اشاره کرده است: «ما آنچه در کتب متفرق دیده بودیم یا شنیده این جا یاد کردیم و بر نادیده اگرچه شنیده بودیم، بر منفعت و مضرت آن اعتماد نکردیم، و اکنون یاد کنیم آنچه بر او اعتماد است» (همان، ص ۱۷۵). فرخ‌نامه در ۱۶ مقاله تنظیم شده و هر مقاله نیز خود دارای فصولی است. مطالب مندرج در این مقالات، به ترتیب عبارتند از: منافع انسان و بهایم، منافع طیور و حشرات، منافع اشجار و اسپرغم و بقول، منافع حشایش و اوراق، منافع صموغات، منافع جواهر و اجساد و احجار، معرفت داروها، خاصیت روغن‌ها و علم فراست، معرفت اکتاف و مدخل نجوم و معرفت موافقت، در اختلاج [اعضاء] و الفاظ پهلوی و جدول حیات و ممات، محلول کردن زر و مروارید و طلق، صفت زهرها و تریاقها و

حیلت که در آن کنند، در اعجوبات که خداوندان زرق نمایند، خواتیم الکواکب، ادعیه الکواکب، در دخنه و زیّ حاجت‌خواه (همان، ص ۹).

جمالی در مقالات اول و دوم که درباره حیوانات گوناگون است (همان، ص ۱۱-۱۰۱)، علاوه بر پاره‌ای توصیفات ظاهری حیوانات، به برخی خلقیات آنها، مکان زندگی، شیوه‌های شکار، خود-درمانگری و معامله آنها با دیگر حیوانات نیز اشاره کرده است و سپس به «خاصیت»های آنان پرداخته و با نام بردن تعدادی از اجزای بدن هر حیوان، به خواص آن جزء که اغلب در حوزه درمان، در رسیدن به مقصود و محبوب شدن در چشم دیگران قابل طبقه‌بندی است، اشاره کرده است. او در دو مقاله بعدی که به گیاهان اختصاص دارد (همان، ص ۱۰۳-۱۶۰)، از توصیف ظاهری گیاهان چشم پوشیده و تنها به ارائه اطلاعاتی درباره شیوه‌های نگهداری و طبع آنها بسنده کرده و بیشتر به خواص آنها پرداخته است. روش او در مقالات مربوط به صموغ، جواهر و احجار، داروها و عطرها و روغن‌ها نیز بر همین منوال است (نک: همان، ص ۱۶۱-۲۱۷).

جمالی در فصولی که به نجوم اختصاص دارند، اطلاعاتی کلی درباره تقویم، شناخت بروج و سیارات و علامت‌ها و اتصالات آنها به دست داده و سپس به بحث «اختیارات نجومی» و دلالات سیارات پرداخته است (همان، ص ۲۲۴-۲۶۱). در مقالات چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم نیز به ترتیب، درباره ذکر انگشتری و نقش منسوب به هر کدام از سیارات، ادعیه منسوب بدانها برای حاجت خواستن، و بویهای خوشی که حاجت‌خواه باید هنگام خواندن ادعیه بسوزاند و جامه‌ای که باید در بر کند، اطلاعاتی به دست داده است (همان، ص ۳۳۱-۳۴۱).

بخشی از مقاله دهم فرخ‌نامه فرهنگ کوچکی از الفاظ پهلوی است که به گفته جمالی، «در همه دفترهای فارسی [این] لفظها بیاید که بدین حاجت افتد» (همان، ص ۲۷۷) در این بخش در مجموع در حدود ۳۵۰ واژه فارسی را معنی کرده و گاه معادل عربی آنها را نیز آورده است (نک: همان، ص ۲۷۷-۲۷۹).

مقاله سیزدهم کتاب به اعجوبه‌های خداوندان زرق اختصاص دارد که گویا آن را از کتابی به نام زینه تألیفاتی که جمالی در اثر خود بدانها ارجاع داده، از این قرارند: کتاب نیرنج (همان، ص ۱۴، ۳۱، ۴۰، ۴۸، ۷۷، ۸۴، ۹۷) و کتاب فلاحه (همان، ص ۱۱۰) که به نام مؤلفان آنها اشاره‌ای نکرده و دیگری، اختیارات کندی الکواکب یا زینه الکتاب اخذ کرده، اما نامی از نگارنده آن نبرده است (همان، ص ۳۱۷، ۳۲۲). این مقاله در واقع درباره شعبده و بازی و روشهایی برای ساختن انواع مدام است و از نظر محتوا، با فصول مشابه در تحفه‌الغرائب شباهت دارد. (همان، ص ۲۶، و احتمالاً اثر دیگری از کندی، نک: همان، ص ۳۲۲). وی همچنین در اثر خود به کسانی مانند بقراط (نک: همان، ص ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۴۳، ۱۵۷)، جالینوس (همان، ص ۱۴، ۱۹، ۳۳، ۳۵، ۴۰، ۷۸، ۱۳۴)، ابوعلی سینا (همان، ص ۱۶۹، ۳۱۳)، محمد زکریای رازی (همان، ص ۳۱، ۱۰۵، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۷۵)،

امام جعفر صادق (ع) (همان، ص ۲۶۲)، عطارد حاسب (همان، ص ۶۲، ۹۶)، عمر خیتام (همان، ص ۳۱۲)، یحیی ماسویه (همان، ص ۱۴، ۵۵) و سه تن دیگر با نامهای شغیوثا (همان، ص ۱۰۴)، هرمزد (همان، ص ۲۵، ۳۳، ۸۵) و کیخسرو شیرازی (همان، ص ۲۲۵) که شناخته نیستند، ارجاع داده است.

نوادرات التبادر لتحفه البهادر: دایره‌المعارفی چنددانشی از شمس‌الدین محمد ابن قاضی امین‌الدین ایوب ابن ابراهیم دنیسری، نگاشته شده در سال ۶۶۹ق (نوادرات التبادر لتحفه البهادر، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ قس: همان، ص ۲۷۸؛ نیز نک: مقدمه نوادرات التبادر لتحفه البهادر، تصحیح دانش‌پژوه و افشار، ص ۳-۶).

نوادرات التبادر در دوازده فن و هر فن از آن، در شش مقاله تنظیم شده است. در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان مقولات کتاب را چنین معرفی کرد: موضوعات برخی از بخشها در انواع علوم عقلی، مانند منطق، علم طبیعی، علم الهی، حساب و هندسه، نجوم و برخی احکام تنجیم هستند؛ و در بخشهای دیگر، به سرفصلهایی پرداخته شده که اغلب در فروع علم طبیعی جای میگیرند؛ این بخشها در یک نامگذاری کلی، عبارتند از علم طب، علم جواهر، علم فراست، علم خواص و علم فلاحت (برای فصولی با همین عناوین در دایره‌المعارفهای دیگر، برای نمونه، نک: جامع العلوم، ص ۷۰-۷۳؛ نفایس الفنون، ج ۳: ص ۱۰۹-۳۶۰).

دنیسری ذیل عناوینی مانند «اندر نگاه داشتن تندرستی»، «اندر احوال زهرها و دفع مضرّت آن» و «اندر احوال جماع»، به آن دسته موضوعات طب که به زعم او «از جمله اسباب حفظ نوع» (همان، ص ۱۳۸) هستند، پرداخته و گاه گاه در توصیه‌های طبی خود، به خواص ادویه و غذاها اشاره کرده است (برای نمونه، نک: همان، ص ۱۰۶-۱۰۷، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۵-۱۴۷). در «علم جواهر»، علاوه بر توصیف ظاهری سنگها و صفت نیک و بد ایشان، از خواص آنها نیز سخن به میان آورده است (همان، ص ۱۵۳-۱۶۳). وی ذیل «عجایب زمان» به ترتیب به عجایب بحرها، شهرها، جویها، کوهها، صحراها و «عجایب گوناگون که در عالم هست»، پرداخته و از عجایبی از ماهیان و حیوانات دریایی (برای نمونه، نک: همان، ص ۱۹۳، ۱۹۴)، خاصیت شهرها و برخی بناها (برای نمونه، نک: همان، ص ۱۹۶-۱۹۷، ۲۰۷)، گیاهان و حیوانات خشکی (برای نمونه، نک: همان، ص ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۰۹-۲۱۱) سخن گفته است. اما در واقع باید گفت در فن دهم از کتاب خود با عنوان «اندر خواص و منافع»، بیش از سایر بخشها به مقوله «خواص» پرداخته است. به این ترتیب که ذیل عنوانهایی از قبیل «اندر طبایع و منافع مردم»، «اندر منافع وحش و سباع و بهایم»، «اندر منافع طیور»، «اندر منافع هوام و حشرات»، «اندر منافع اشجار و اثمار» و «اندر منافع نبات و ازهار»، به ذکر «خاصیت» اعضای مختلف بدن حیوانات و گیاهان، اغلب در درمان و رسیدن به مقصود میپردازد. گاه نیز به روشهایی برای نگهداری از درختان یا ثمردهی بیشتر آنها اشاره میکند که خود ناظر به خاصیت

چیزهایی است که در این روشها به کار گرفته میشوند (برای نمونه، نک: همان، ص ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹). چنانکه در بخشی نیز که به علم فلاحت اختصاص دارد، از خاصیت چیزهای مختلف برای نگه داشتن کشته‌ها و غله‌ها از آفت (برای نمونه، نک: همان، ص ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۵) یا زود رسیدن میوه‌ها (برای نمونه، نک: همان، ص ۲۶۳) سخن گفته است.

فن پایانی نوادر التبادر «اندر انواع فواید علمی و عملی»، به برخی معجزات انبیاء و کرامات بزرگان و برخی نیرنجات و طلسمات اختصاص دارد (همان، ص ۲۶۹-۲۷۷).

چنانکه پیش از این اشاره کردیم، دنیسری، در برخی موارد، بدون نام بردن از تحفه‌الغرائب بخشهایی از آن را نقل کرده است (مقدمه تحفه‌الغرائب، تصحیح متینی، ص بیست و نه- سی و یک). به این ترتیب، باید گفت تحفه‌الغرائب یکی از منابع دنیسری در نگارش اثرش بوده است. اما او خود در خاتمه کتابش، برخی از منابع خود را چنین برشمرده است: آثاری از ابن سینا (النجاه، الشفاء، القانون، الادویه القلبیه، الحکمه الشرقيه، الاشارات و التنبيهات، عیون الحکمه و الانصاف و الانتصاف)، آثاری از امام محمد غزالی (السلسیل لأبناء السبیل، عین الحیوه، سر العالمین و کشف ما فی الدین، المقاصد، الرساله القدسیه، انوار المشکاه، معیار العلم، احیاء علوم الدین، خزانه السرّ الهدی و الامد الاقصی الی سدره المنتهی و الاقتصاد فی علم الاعتقاد)، تصانیفی از شیخ شهاب مقتول، آثاری از امام فخر رازی (المخلص، التلخیص و السرّ المکتوم)، آثاری از ارسطاطالیس (طونیکا، طیقانا و اختیارات الوقیه)، مقاله الاربعه از بطلمیوس، آثاری از شیخ ابراهیم حبیب تغلیسی (بیان النجوم، الکفایه فی الطب و بیان الصناعات)، زهت‌نامه علائی از شهردان بن ابی‌الخیر، مجمل‌الاصول کوشیار، ذخیره خوارزمشاهی جرجانی، کنش یوحنا ابن سرافیون، منافع النجوم احمد البابلی، التنجیم بدیع نیشابوری، دعوه الکواکب ابوطاهر البرمکی، التیصره حزقی، التفهیم ابوریحان بیرونی، التجارب یحیی بن خالد، تصنیفاتی از هرمس حکیم (الاسرار و اسماء الملك الموکل علی الاوقات و الساعات)، العهود و المواثیق بلیناس، بخورات الروحانیات ابواسحاق الکندی، الميدان ابوبکر ابن وحشیه، المبالات فی موالید الخلفاء از یعقوب بن طارق، آثاری از جابر بن حیان الصوفی (خواص الموازینی، السبعین، صندوق الحکمه و الاجساد السبعه)، مجرد الحکایات از ابوالعلاء الدامغانی، التواریخ محمد بن جریر طبری، نوشته‌هایی از ابن ابی‌الدنیا (نسیم التسنیم و ریاض الندیم) و الاقالیم و المسالک و الممالک ماوردی (نوادر التبادر لتحفه البهادر، ص ۲۷۸-۲۸۰).

عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات: از زکریا بن محمد بن محمود مکمونی قزوینی (درگذشته در ۶۸۲ق) در سده هفتم ق، که ابتدا آن را به زبان عربی نگاشت و سپس تحریری از آن به زبان فارسی فراهم آورد.

قزوینی دارای آثار دیگری مانند عجایب البلدان به عربی و آثار البلاد و اخبار العباد به فارسی است. وی که دوران تحصیل خود را در نظامیه بغداد گذرانده بود، از مشاهیر فقهای شافعی به شمار

میرفت و در علوم طبیعی و طب نیز از بزرگان دوران خود بود (مقدمه عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات قزوینی، تصحیح سبوحی، ۲).

قزوینی در مقدمه عجایب المخلوقات با استشهاد به برخی آیات قرآن و روایات (برای نمونه، نک: همان، ص ۱-۲)، به اهمیت راه یافتن به «حقیقت اشیا» اشاره میکند و سپس درباره محتوا و منابع کتاب خود چنین می‌آورد: «اما باید که هر که در این کتاب نظر کند [...] هر چند اموری که مخالف عادت باشد ببیند، در او انکار نکند آلا که قدرت قادر را در جمیع مستولی داند و باید که عاقل صاحب نظر وجود مخلوقات از هر نوع مختلف هیچ صعوبتی و دشواری نشمرند و آنچه در این کتاب ذکر کرده شده، از عجایب صنع باری است عزّ اسمه، اما محسوس باشد و اما معقول، و اما حکمای ظریف و راویان دانای خواص اشیا یابند...» (همان، ص ۳-۴).

قزوینی کتاب خود را در دو بخش کلی، یکی در علویات و دیگری در سفلیات تنظیم کرده است. در بخش اول، مطالبی درباره افلاک هفت سیاره، عجایب و خواص آنها، صور فلکی، ارواح سماوی از قبیل افلاک و ملائکه، زمان و خواص آن، ماههای تقویم رومی و عربی و فارسی و فصول مختلف سال وجود دارد. بخش سفلیات خود به سه بخش دیگر، یعنی کره هوا، کره آب و کره زمین تقسیم شده و پدیده‌های طبیعی هر کدام به تفصیل شرح شده است. آن جا که به کره هوا اختصاص دارد، مطالبی پیرامون ابرها و باران، رعد و برق، هاله و قوس و قزح آمده است. در بخش کره آب، سخن از دریاهاست و جزایر آنها و به مناسبت از حیوانات عجیب دریایی اطلاعاتی به دست داده شده؛ در بخش کره زمین نیز به ترتیب اطلاعاتی درباره معدنیات و فلزات و احجار، خواص و عجایب گیاهان و اشجار و حیوانات، انسان و نفس ناطقه، کیفیت تولد آدمی، تشریح اعضای بدن انسان و انواع قوا، خواص و منافع اجزای مختلف بدن انسان، اصناف مردم و صناعات، حقیقت جن و حکایاتی در باب آن عرضه شده است. کتاب با سه باب درباره حیوانات و دواب، حشرات و حیوانات عجیبه الاشکال و ذکر خواص و فواید اجزای بدن ایشان پایان می‌یابد. هیچیک از بخشهای کتاب که به نوعی با حیوانات، گیاهان و سنگها ارتباط دارد، خالی از «خاصیت» ایشان نیست: قزوینی علاوه بر توصیف صورت ظاهری و شرایط رشد و نمو آنها، خواص گوناگون آنها را نیز برشمرده است؛ وی همچنین در مواضع بسیاری به روایات تاریخی یا گزارشهای شفاهی که گاه به راویان آنها نیز اشاره کرده، استناد جسته است (همان، ص ۱۰۰، ۱۰۱-۱۰۲، ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۷۴).^۱

^۱ برای نمونه‌ای دیگر از استناد به منابع شفاهی، که مؤلف در آن خود را به درج نام کامل راویان مقید ساخته، نک: الصحیح من اخبار البحار و عجائبها، جاهای مختلف؛ نیز نک: مقدمه الصحیح من اخبار البحار و عجائبها، تصحیح یوسف الهادی، ص ۲۳-۲۵، که به عنوان نمونه، زندگی یکی از راویان شناخته شده و پر ارجاع کتاب، ابومحمد الحسن بن عمرو بن حمّویه بن حرام بن حمّویه النجیرمی را بررسی کرده و به کمک منابع تاریخی، صحت سفرهای دریایی او را به نقاط دوردست (از قبیل سند، اندلس، سودان و نواحی اطراف نوبه) نشان داده است.

ارجاعات بسیار قزوینی به ابن‌سینا که در اغلب موارد از او با لقب شیخ‌الرئیس نام برده، نشان می‌دهد او به خوبی با منابع طبی پیش از خود آشنایی داشته است (برای نمونه، نک: عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات قزوینی، ص ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۶۷، ۱۹۲، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۸-۲۲۲، ۲۲۷-۲۲۹، ۲۱۳-۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۶-۲۵۰، ۲۵۲، ۲۶۶، ۲۷۲، ۳۵۴، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۸). از میان سایر افرادی که او به ایشان ارجاع داده است، میتوان از بقراط (همان، ص ۱۴۰، ۱۴۱، ۲۳۶، ۴۴۷)، ارسطو (همان، ص ۶۵، ۱۲۸، ۱۹۱-۱۹۲، ۱۹۴-۱۹۸، ۲۰۰-۲۱۱، ۴۰۲)، جالینوس (همان، ص ۱۴۱، ۲۷۹)، ذیمقراطیس (همان، ص ۲۶۰)، ایقوریدوس (همان، ص ۲۰۵، ۲۷۰، ۲۷۲) که باید تصحیفی از دیوسکوریدس باشد (درباره او، نک: تاریخ نگارش‌های عربی، سزگین، ج ۳: ص ۹۵-۹۸)، بلیناس (عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات قزوینی، ص ۱۴۵، ۱۴۶، ۲۲۴، ۲۴۴، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۳۰۴)، بطلمیوس (همان، ص ۱۸، ۱۱۱، ۱۵۴، ۳۵۹)، جاحظ (همان، ص ۱۲۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۳۹۶، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۴۸)، محمد زکریای رازی (همان، ص ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۷۲، ۲۲۲، ۲۵۷، ۳۵۷)، ابوریحان بیرونی (همان، ص ۹۶، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۸۳، ۴۶۰)، اصطخری (همان، ص ۱۵۶، ۱۶۸، ۱۷۷)، ابن‌فقیه (همان، ص ۹۸، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۶۹)، ابوحامد اندلسی (همان، ص ۱۳۱-۱۳۶، ۱۶۴، ۱۸۲) و محمد بن احمد خوارزمی (همان، ص ۱۵۲) نام برد. از میان کتابهایی نیز که او بدانها اشاره کرده، پیش از هر چیز باید به تحفه‌الغرائب حاسب طبری (همان، ص ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۳-۱۱۵، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵-۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۶-۱۸۲، ۱۸۴) و اثری به نام الفلاحه (همان، ص ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۴۱، ۲۴۴-۲۴۶، ۲۵۰-۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۷، ۳۲۷، ۳۵۸) که قزوینی از نویسنده آن نامی نبرده (برای کتابهایی با این عنوان، نک: تاریخ نگارش‌های عربی، سزگین، ج ۴: ص ۳۷۱ به بعد)، اشاره کرد که بیش از دیگر کتابها از آنها نام برده شده است. همچنین باید اضافه کرد به دلیل احتوای کتاب قزوینی بر برخی حکایات تاریخی و روایات دینی، در میان منابع او، کتب تواریخ و تفسیر و حدیث نیز جایگاه ویژه‌ای دارند (تنها برای نمونه، نک: عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات قزوینی، ص ۱۶۵، ۱۹۹، ۲۴۱، ۳۶۸، ۳۷۳).

اینک در یک جمع‌بندی کلی، میتوان گفت آنچه از بررسی دقیق و جزء به جزء این متن‌ها به دست می‌آید، از این قرار است:

۱. اهمیت طبقه‌بندی؛ چنانکه پیشتر نیز اشاره کردیم، متن‌های عجایب‌نامه‌ای، همواره متضمن نوعی طبقه‌بندی هستند؛ توصیف پدیده‌های طبیعی، طی نظامی سلسله‌مراتبی، از ویژگی‌های ساختاری متن‌های عجایب‌نامه‌ای است.
۲. جایگاه محوری «علم خواص»؛ در این متن‌ها، پرداختن به ویژگی‌های صوری و ظاهری اعیان طبیعی، همواره با برشمردن خواص و منافع آنها که بیشتر در جهت درمان و راه‌یابی برای نیل

به مراد و مقصود بوده است، کامل میشود. این موضوع هنگامی اهمیت می‌یابد که بدانیم در برخی از طبقه‌بندی‌های علوم کهن، در بخش طبیعیات، ابوابی به نام «علم خواص» وجود دارد. مثلاً فخر رازی، علاوه بر آن که در ابوابی مانند علم الجواهر، به خواص سنگها پرداخته، بابی جداگانه را نیز به «علم الخواص» اختصاص داده و در آن به خواص چیزها پرداخته که بیشتر به کار شعبده و زرق می‌آیند (جامع العلوم، ص ۳۱۰-۳۱۲). آملی نیز در نفایس الفنون با این شرح به علم خواص پرداخته: «علم خواص که آن عبارتست از شناختن خاصیات موجودات عالم سفلی و منافع و صفات هر یک از آن و چون اصناف موجودات بشمارند و در هر یک خاصیات بسیار، احاطه بدین قسم از محالاتست. اما از آنجمله که مفیدتر بود و غرابت در او بیشتر، در چهار باب [خواص حیوانات چهارپا، طیور، حیوانات بحری، جواهر و احجار] ایراد کنیم» (نفایس الفنون، ج ۳: ص ۳۰۳؛ نیز نک: دره‌التاج، ص ۷۳۳؛ مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم، ج ۱: ص ۳۰۷-۳۰۹، ۳۴۶؛ برای تفصیل در این باره، نک: بررسی جایگاه عجایب در نظام دانشهای کهن...، مهری، ص ۷۷-۹۸).

۳. ارجاع به متون مکتوب پیش از خود؛ مؤلفان متون عجایب‌نامه‌ای، همواره با استناد به آثار پیشینیان، به نگاشته‌های خود اعتبار بخشیده‌اند. به عبارت دیگر، متون عجایب‌نامه‌ای، با ارجاع به مجموعه متون پیش از خود، وامداری خود را به سنت علمی دوران تألیفشان نشان میدهند. بررسی مراجع این متون، آشکار میکند که مؤلفان آنها به خوبی با علوم گوناگون روزگار خود آشنا بوده‌اند و مهمترین منابع نگاشته شده در هر رشته علمی را میشناخته‌اند. بیشتر آنان را با در نظر گرفتن دیگر تألیفاتشان در حوزه‌های شناخته شده علمی، باید از زمره دانشمندان روزگار خود به شمار آورد.

۴. آنجا که نویسندگان این متنها، به جای استفاده از منابع مکتوب به نقل شنیده‌های خود پرداخته‌اند، در بسیاری موارد به اصول نقل شفاهی پایبند بوده‌اند، به این معنا که نام راویان خود را ذکر کرده‌اند و حتی گاه سلسله اسناد یک روایت شفاهی را ضبط نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

عجایب‌نامه‌ها و متون عجایب‌نامه‌ای، تاکنون بیشتر در معرض پیش‌داوریه‌ها و قضاوت‌های بی‌سنجه بوده‌اند تا بررسی دقیق و روشمندی که بر پایه اطلاعات متنی صورت گرفته باشد. چنانچه بخواهیم از این فضا فاصله بگیریم و برای بررسی آنها معیاری برگزینیم که نه مقتبس از کلیشه‌های ارزشگذارانه محتوایی، بلکه برگرفته از منطق درونی خود آنها باشد، ناگزیر باید ساختارهای متنی و روشهای صورتبندی مسائل را به یکی از کانونهای توجه خود تبدیل سازیم؛ بررسی دقیق چند متن مهم عجایب‌نامه‌ای که بر سایر متنهای این حوزه نیز تأثیرگذار بوده‌اند، نشان میدهد میتوان برای این متنها، یک منطق درونی جست که با تصویر برساخته متداول از این متون متفاوت است. برخی

نشانه‌های این منطق، مانند توجه به طبقه‌بندی، ارجاع به برخی فروع شاخه‌های اصلی طبقه‌بندی علوم کهن و نظام ارجاع‌دهی به منابع مکتوب و شفاهی پیش از خود با رعایت نسبی موازین آن، نشان می‌دهد که عجایب‌نامه‌ها با نظام علمی روزگار خود بیگانه نبوده‌اند و چنانچه از این منظر مورد بررسی قرار گیرند، میتوانند در میان متون علمی کهن، جایگاهی را به خود اختصاص دهند.

منابع

۱. «بحثی پیرامون عجایب‌نامه‌ها و نظایر آن (معرفی غرایب الدنيا و عجایب الاعلی شیخ آذری طوسی)»، سلطانی، اکرم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۷، ش ۲، ۱۳۸۵ش.
۲. بررسی جایگاه عجایب در نظام دانشهای کهن بر پایه ادب فارسی، مهری، فاطمه، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، به راهنمایی دکتر حمیرا زمردی، دانشگاه تهران، شماره ثبت ۶۱۹۵۸.
۳. تاریخ عمومی حدیث، معارف، مجید، تهران، کویر، ۱۳۷۷ش.
۴. تاریخ نگارشهای عربی، سزگین، فؤاد، به اهتمام خانه کتاب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۵. تحفه الغرائب، حاسب طبری، محمد بن ایوب، تصحیح جلال متینی، تهران، معین، ۱۳۷۱ش.
۶. جامع العلوم (ستینی)، فخرالدین رازی، تصحیح سید علی آل داود، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۲ش.
۷. دره التاج، (بخش نخستین مشتمل بر منطق، امور عامه، طبیعیات، الهیات)، قطب‌الدین شیرازی، به کوشش و تصحیح سیدمحمد مشکوه، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۱۷ش. روایت، شکل و ساختار عجایب‌نامه‌ها، براتی، پرویز، تهران، نشر افکار، ۱۳۸۸ش.
۸. الصحیح من اخبار البحار و عجائبها، ابوعمران سیرافی، موسی بن رباح اوسی، تصحیح یوسف الهادی، دمشق، دار اقر، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۶م.
۹. عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، طوسی، محمد بن محمود بن احمد، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش.
۱۰. عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، قزوینی، زکریا بن محمد تصحیح و مقابله نصرالله ستوحی، تهران، بی تا.
۱۱. عجایب‌نامه، همدانی، محمد ابن محمود، ویرایش جعفر مدرس صادقی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵ش.
۱۲. «عجایب‌نامه‌ها به منزله ادبیات وهمناک»، حرّی، ابوالفضل، نقد ادبی، س ۴، ش ۱۵، پاییز ۱۳۹۰ش.

۱۳. فارابی، ابونصر محمد بن محمد، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
۱۴. فرخ‌نامه، جمالی یزدی، ابوبکر مطهر، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶ش.
۱۵. کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م.
۱۶. مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم، طاش کپری‌زاده، احمد بن مصطفی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.
۱۷. نزهت‌نامه علائی، شهردان بن ابی‌الخیر، تصحیح فرهنگ جهانپور، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲ش.
۱۸. نقایس الفنون فی عرایس العیون، آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود، تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۱۹. نوادر التبادر لتحفه البهادر، دنیسری، شمس‌الدین محمد ابن امین‌الدین ایوب، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷ش.
- “The Astonishing: A Critique and Re-Reading of ‘Aġā’ib Literature”,
Von Hees, Syrinx, Middle Eastern Literatures, Vol. 8, No. 2, July 2005.